



آخرین گفتگو با منوچهر حامدی

و تعداد بقول شما انگشت شمار. ببینید در سال جاری به حق از پرکارترین و فعالترین بازیگران سینما و تلویزیون هستیم. در حال حاضر سریال آوای فاخته پخش می‌شود. ۷ سریال دیگر نیز آماده پخش دارم. ۳ فیلم سینمایی آماده نمایش و ۵ فیلم سینمایی برای جشنواره چهاردهم فیلم فجر و سریالی که اکنون به نام دزدان مادر بزرگ مشغول بازی در آن هستیم. اما این پرکاری دلیل بی‌نیازی و یا بالعکس دلیل ثروت‌اندوزی نیست. بهر حال در سینمای امروز ایران با توجه به کمبود بازیگران هم سن و سال من، موجب شده که ما برکار شویم. البته این بدان معنا نیست که ما وضع مالی خوبی داریم. خیر، بازیگرانی امثال بنده سالی ۱۰ فیلم و سریال هم بازی کنند با مخارج سنگینی که امروز بر دوش داریم، جوابگو نخواهد بود. از دیگر سو دلشوره و عدم تأمین آینده خانواده همچنان ما را رنج می‌دهد. مگر ما چقدر و چند سال توان داریم.

اما اینکه چرا هر نقشی را می‌پذیریم، باز جای بحث دارد. مگر در سال ما چند فیلم خوب داریم که حق انتخاب با ما باشد. انتخاب نقش در هر شرایطی بستگی به وضعیت مالی ما دارد. این یک واقعیت است. شعار هم نیست.

□ - سال گذشته شما کاندید جایزه برای نقش دوم مرد بودید، اما جایزه را دیگری گرفت نظر شما درباره قضاوت داوران چیست؟

■ - باور کنید از روی حُب و بغض نمی‌گویم، اما بی‌انصافی کردید و آرا ناعادلانه بود خوب ببینید در اغلب جشنواره‌ها بازیگرانی که برای بار اول و یا دوم در فیلم ظاهر می‌شوند، بدون آنکه تجربه‌ای اندوخته و یا پشتوانه‌ای داشته باشند، جایزه می‌گیرند، حتی شما به مصاحبه با آنان متوجه خواهید شد که خود اعتراف می‌کنند که زحمتی نکشیده‌اند آنهم در سینما، رشته تحصیلی‌اشان هم یا شیمی یا راه و ساختمان و یا دندانپزشکی، آنگاه با توجه به این مسائل هشت داوران به آنان جایزه می‌دهد. این یعنی بی‌ارزش شمردن هنر تئاتر یا سینما. این یک طرف قضیه است. طرف دیگر قصور تهیه‌کنندگان و کارگردانان است. آنان بجای آنکه بیرون سراغ کسانی که در این رشته تحصیل کرده‌اند، می‌روند دنبال کسانی که قبای تئاتر و سینما را نمی‌دانند. این معضل بخصوص در سینما وجود دارد. چرا که سینما نام دارد و شهرت می‌آورد. جوانان خواهان نام هم که بسیار است. اما طرف درونی و یا پنهانی قضیه خرج و دستمزد اندکی است که آنان می‌گیرند. تهیه‌کننده و

هیچ کس فکرش را هم نمی‌کرد، هیچکس نمی‌تواند فکرش را بکند که کی، کجا و چطور می‌میرد.

اجل تا بحال به هیچ کس از قبل خبر نداده که کجا و چگونه به سراغش می‌آید و انسان به امید فردا و فرداها، هیچگاه به امروزش تکیه نداده و نمانده است و هر روز به امید روزهای دیگر در خیابانهای زندگی قدم می‌زنند. تلاش می‌کنند... ناگهان یک روزی یا شبی در یک جایی در یک حالت بی‌خبری و دوراز انتظار، سکه می‌کند. فلش می‌ایستد. مغزش از کار می‌افتد. نفسش بند می‌آید. آواری بر سرش خراب می‌شود.

تومز ماشین نمی‌گیرد و جسمش می‌شود سنگ جلوی چرخ و سی‌متر می‌کشاندش روی زمین. منوچهر حامدی که فکرش را هم نمی‌کرد روزی این چنین شود و اینگونه برود. در آخرین گفتگوهایش با خبرنگار ما که برای تهیه خبر از پروژه «دزدان مادر بزرگ» رفته بود، گفت:

پیش از هر چیز سلام و خسته نباشید می‌گویم به تمام کسانی که از نشریات هنری برای معرفی و حضور فعال بازیگران حرفه‌ای و پیش‌کسوت قلم می‌زنند.

با چهل سال سابقه بازیگری در تئاتر و تلویزیون و سینما، اکنون در سریال دزدان مادر بزرگ نقش ناصر پسر بزرگ خانواده را بازی می‌کنم. نقشی بسیار گرم و عاطفی است. فراز و نشیب‌های حسی بسیاری دارد و فکر می‌کنم حضور آقای صباغ‌زاده در مقام کارگردان با نگاه سینمایی‌اش جذابیت بیشتری به داستان سریال داده‌است.

عوامل سازنده و بازیگران جوان و پرتحرک و بازیگران توانمند گروه، فضا را بگونه‌ای بوجود آورده‌اند که به راحتی می‌توان از تجربیات هم استفاده کرد بویژه از تجربیات و راهنمایی‌های آقای صباغ‌زاده.

□ - آقای حامدی یک سنوآل همیشه برای من مطرح بوده‌است. چرا هر نقشی را قبول می‌کنید؟

■ - اتفاقاً خیلی خوشحال شدم از اینکه چنین سوالی را مطرح کردید. خیلی‌ها می‌گویند که حامدی همه جا حضور دارد و هر کاری که به او سفارش کنی قبول می‌کند. حالا من از شما سوال می‌کنم چند بازیگر به سن و سال من در سینما یا تلویزیون وجود دارد؟

□ - خوب تعدادشان انگشت شمار است.

■ یکی از دلایل پرکاری بنده و امثال بنده باز می‌گردد به سن و سال

کارگردان فکر می‌کند که اگر دنبال کسی برود که در این رشته تحصیل کرده و زحمت کشیده بالطبع دستمزد بیشتری می‌خواهد پس خرج هر چه کمتر بهتر. حال به سر سینما هر چه می‌آید، بیاید. به عقیده من این رشته (بازیگری) با رشته جراحی قلب تفاوت چندانی ندارد بلکه به نظر مشکل‌تر هم هست.

پس - آینده این رشته را چگونه می‌بینید؟

■ - آینده‌ای روشن ندارد. کیفیت فیلمها سال به سال پائین‌تر می‌آید. سالهای گذشته فیلم‌هایی نظیر برده آخر - رد پای گرگ - سرب - شاید وقتی دیگر و یکی دو فیلم که الان حضور ذهن ندارم. فیلم‌های خوب و نسبتاً خوبی بودند. اما یک نگاه گذرا کنید به فیلم‌های یکی - دو سال گذشته، اولاً کارگردانهای مطرح و بنام، کاره‌گرفته‌اند و اکثر کسانی که مشغول تولید هستند یا کار اولشان است یا دوم، سوم. ما هم کارمان بازیگری است اگر کار آنها را قبول نکنیم چه کنیم. به باور من مسئولین امور سینمایی باید از سینما و کلیه دست‌اندرکاران آن حمایت کنند چه حمایت مالی و چه حمایت معنوی. از طرفی فیلم‌سازان و تمام کسانی که به نوعی با سینما سر و کار دارند باید دانش‌اندوزی کنند این رشته را خوب بشناسند. چه کارگردانها و چه نویسندگان. دست آنان را بازتر بگذاریم تا از آن چهارچوب معمول و کلیشه‌ای بیرون بیایند. سینماگران نیز خود سانسوری نکنند برای این هنر ارزش معنوی قائل شویم.

■ - نظرتان درباره تئاتر ملی و تئاتر فعلی کشورمان چیست؟

■ - حتماً می‌دانید که رشته اصلی من تئاتر است. به تئاتر بیش از هر هنر دیگر علاقه دارم. بد نیست بدانید که اگر ما در تئاتر تأمین

بودیم، هیچگاه پا به تلویزیون یا سینما نمی‌گذاشتیم. این واقعیت است، مسئولین تئاتر فعلی آنگاه به این رشته نیستند تئاتر بیشتر جشنواره‌ای شده است و آموزش تئاتر هم در حد همان کارهای کلاسی و دانشجویی و هنرجویی. کسانی که امروز آموزش تئاتر می‌دهند به جز چند استثناء که از اساتید بنده و سرور بنده هستند. چند نفرشان خبره این کار هستند. دانشگاه دیده هم باشند. اصول و فرمول تئاتری که امروز گاه من شاهد آن هستم به کلی فراموش شده، تئاتر ملی ما کدام است. نمایشهای سنتی - آیینی فقط در جشنواره‌هاست آن هم با کیفیتی که شاهد آن هستیم. اگر امروز تماشاگر به تئاتر نمی‌آید دلیل دارد. تماشاگر تئاتر شاهد داد و فریاد است، تئاتر شده است تئاتر داد. روی صحنه یک سری فرمهای من درآوردی همراه با یک سری اگر اسمش را بگذارید حرکات موزون و بعد فریادها و دادهای بیجا. سوزها هم سوزهایی است که به درد تماشاگر امروز نمی‌خورد. تئاتر باید با تماشاگر مانوس شود از دل او بگوید این که هر نمایش را به بهانه آوا نگارد و بیشتر از بست مدرنیسم و نمیدانم مسائل درونی و شخصی را به خورد مردم بدهیم که تئاتر نمی‌شود. تئاتر درد عمومی، مسئله عمومی و معضل و نیکی و خوبی عمومی مردم است. این را که شما می‌گویید تئاتر فعلی متأسفانه باید بگویم اصلاً تئاتری نداریم که زمان حال به او بدهیم. باتشکر از شما

یادش گرامی باد

آبتین آذین

